

پروژه صبر

نقش مؤلفه‌های اجتماعی در تحقق نوسازی شهری



majidrousta@gmail.com

مجید روستا
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری
مدیرکل دبیرخانه ستاد ملی
توانمندسازی و ساماندهی
سکونتگاه‌های غیررسمی

امروزه رویکرد اجتماعی به بافت‌های فرسوده، نقطه عطفی در تاریخچه نوسازی و بهسازی این بافت‌ها در کشور به حساب می‌آید. ویژگی‌های اجتماعی خاص بافت‌های فرسوده، ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی را دوچندان می‌کند. برنامه‌ریزی مشارکتی تحت عنوان «برنامه‌ریزی با مردم» به جای «برنامه‌ریزی برای مردم» و همچنین «صحبت کردن با مردم» به جای «صحبت کردن در مورد مردم»، رهیافت و نگاهی برای مداخله و ورود به بافت‌های فرسوده است. با وجود ظرفیت‌ها و زمینه‌های درونی این نوع برنامه‌ریزی، مردم به عنوان عنصر مشارکت‌جو، به دلایل بسیاری که بیشتر مربوط به دوران گذشته و قوانین مصوب است، اعتماد لازم را به این گونه برنامه‌ریزی‌ها ندارند. لذا ورود به مباحث اجتماعی نیاز به مکت، صبر و حوصله زیاد و کار درونی و رو در رو در تعامل با اجتماعات محلی دارد. شاید بتوان فعالیت‌های اجتماعی به ویژه در زمینه مداخله در بافت‌های فرسوده را به «پروژه صبر» تعبیر نمود.

این رویکرد، با در نظر گرفتن سرمایه اجتماعی، یکی از اولویت‌های کلیدی در مدیریت شهری است. ابعاد سرمایه اجتماعی را اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی تشکیل می‌دهد که هرکدام از این ابعاد در ارتقای حیات و نوسازی بافت فرسوده نقش مهمی دارد. پایین آمدن شرایط و سطح کیفیت زندگی از لحاظ ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی سبب مهاجرت برخی از ساکنان این گونه بافت‌ها شده و از سوی دیگر اضمحلال شرایط اقتصادی و عدم رقابت‌پذیری این محلات با محلات برتر شهری، نوعی جدایی‌گزینی اکولوژیکی و اجتماعی و برتری برخی فضاهای شهری برای اسکان و سرمایه‌گذاری‌های شهری را سبب شده است.

این نوشتار سعی دارد تا ضمن بررسی تاریخچه تهیه طرح‌های توسعه شهری - به صورت اعم و طرح‌های نوسازی به صورت خاص - رویکرد و نگرش‌های جدید نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده، مؤلفه‌ها و ابعاد تأثیرگذار اجتماعی دخیل در نوسازی را تحلیل و راهکارهای عملیاتی را در قالب تجارب میدانی پیشنهاد کند.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی، انسجام اجتماعی، مشارکت، طرح‌های توسعه شهری، توسعه اجتماع‌محور.

مقدمه

امروز در جهان شهرسازی، مانند سایر علوم، نظریات و دیدگاه‌ها تحول بسیار یافته و برنامه‌ریزی و اجرا به هم نزدیک شده است. اما چارچوب‌های مطالعاتی شهرسازی در ایران، تحول چندانی نیافته است. شاید یکی از علل آن، عدم گرایش جامعه حرفه‌ای به تحول و نوآوری و تمایل به تکرار تجارب است. عدم حضور افراد ذی‌نفع و شهروندان در برنامه‌ریزی‌ها، فقدان چارچوب‌های مناسب بهسازی و ساماندهی مراکز شهری، بالاترین بودن اراضی و کاربری‌ها، به مخاطره افتادن تعادل و پایداری محیط‌زیست، از جمله مسایل شهری امروز ایران محسوب می‌شود.

طرح‌های ارتقا، نوسازی و بازآفرینی از جمله الگوهای مثبت نظرات جدید شهرسازی در جهان است. در این طرح‌ها، فرایند مطالعات با انتخاب گزینه‌های مختلف، به سوی چارچوب‌های اجرایی می‌رود و با امکان‌سنجی راه‌حل‌ها، شرایط اجرای آنها نیز فراهم می‌شود. اصلی‌ترین راهبردهای این طرح‌ها توجه به ابعاد اجتماعی، سازندگی اجتماعی، نهادسازی و مشارکت شهروندان است (کلهرنیا، ۱۳۸۶).

در حال حاضر تجارب نوسازی بافت‌های شهری در ایران، فرصتی فراهم نموده تا بتوان روش‌های کنونی را با قواعد نوسازی شهری مقایسه کرد و با یک بررسی تطبیقی، به بازبینی و بازنگری در آنها

پرداخت.

الگوهای شهرسازی ایران، سابقه دیرینه‌ای معادل تهیه طرح‌های توسعه شهری دارد. کارشناسان امور شهری در مراکز دانشگاهی، بخش عمومی و خصوصی نظرات مفصلی در مورد چارچوب و محتوای طرح‌ها و نیازهای شهرسازی کشور ارائه می‌دهند. اما در زمینه تحقق‌پذیری و عملیاتی‌کردن برنامه‌ها، به راهبردهای عملیاتی در کنار راهبردهای تئوریک توجه نمی‌شود و هنوز راه‌حل‌های جامع و کاملی شکل نگرفته است.

با این وجود تحقیق برای یافتن راه‌حل، ناچیز و بی‌تناسب با مسایل شهری و به ویژه بافت‌های فرسوده است. متأسفانه طرح‌های توسعه شهری با بی‌تفاوتی از کنار موضوع بافت‌های فرسوده به عنوان یکی از چالش‌های توسعه پایدار شهری، گذشته است.

رویکردهای متداول نوسازی و بهسازی شهری در طرح‌های شهری

با توجه به تحقق‌پذیری پایین و عدم موفقیت مداخلات نوسازی در اکثر طرح‌های شهری، نیاز به واکاوی دلایل این مسئله احساس می‌شود (عندلیب، ۷-۱۳۸۶: ۱۸). می‌توان گفت از میان دیدگاه‌های مطرح در مورد نقش دولت در طرح‌های شهری از سال ۱۹۵۰ به بعد،

۴ شهرسازی با مردم (planning with people) که در آن مردم و شهرساز، هریک در جایگاه خود بوده و شهرسازی از طریق مشارکت دوطرفه صورت می‌گیرد (عندلیب، ۷-۱۳۸۶: ۳۰).

به طور عام از چهار روش فوق دو روش اول را می‌توان در دیدگاه فراهم‌کننده و دو روش بعدی را در دیدگاه توانمندکننده دسته‌بندی کرد. هرچند در گونه چهارم شهرسازی، به نقش مردم در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی تحت عنوان شهرسازی مشارکتی توجه شده است؛ اما رویکرد اجتماعی- جدا از رویکرد صرفاً مشارکت مردمی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این گونه شهرسازی، از ابعاد اجتماعی نظیر نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌های اهل محل و ساکنین بافت‌های فرسوده از یکسو و ایجاد بسترهای لازم برای ظرفیت‌سازی و نهادسازی محلی در قالب شناخت اجتماعی محل و سرمایه‌های اجتماعی از سوی دیگر غفلت شده است. لذا مشارکت مردم در این گونه شهرسازی به صورت جامع و فراگیر و در تمامی مراحل نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده از تهیه طرح گرفته تا تصویب، اجرا، نظارت بر اجرا و بهره‌برداری، ضعیف و کم‌رنگ است. این موضوع باعث ایجاد انتظارات و تعهد اجتماعی از سوی مشاورین تهیه‌کننده طرح‌های نوسازی شده است. بنابراین لازم است تا نگرش‌های نوین و جدیدی به نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد اجتماعی در دستور کار قرار گیرد (شکل ۱).

نگرش جدید: رویکرد اجتماعی به نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده

تلقی بافت‌های فرسوده شهری و سیاه‌نمایی اغراق‌آمیز آن به عنوان چالش و تهدید شهری بدون توجه به سرمایه‌های اجتماعی- اقتصادی، باید در جریان نوسازی اصلاح شود. نمونه‌ای از این سرمایه‌های اجتماعی- اقتصادی در حوزه زمین و مسکن، ذخیره زمین برای جبران کمبود سرانه‌های شهری، ظرفیت اسکان اقشار کم‌درآمد، ارائه خدمات ارزان‌قیمت از سوی ساکنین، وجود زیرساخت‌های اولیه و ... است. بنابراین چارچوب نوسازی، نیازمند رویکردی درونی به همراه راهکارهای مدیریتی به عنوان ابزار بیرونی است. وجود بیش از ۶۰ هزار هکتار بافت فرسوده در پیکره شهرهای کشور با نقاط قوت فوق، دلیلی بر این الزام است. بنابراین تغییر نگرش مدیریت شهری و ساکنین به

دو نگرش به عنوان مرز تغییر این دیدگاه‌ها و نقش دولت، در ادبیات شهرسازی اهمیت داشته است:

● سیاست فراهم‌کننده (provider) که تا سالیان اخیر همواره مجرای مداخله در بافت‌های فرسوده بوده است (Keare and Seott, 1982)؛ اما به علت بروز مشکلاتی ناشی از این نوع سیاست در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، میزان رضایت مردم و نیز رویکرد رایج جهت کاهش تصدی‌گری دولت در چند سال گذشته، توجه به این دیدگاه کاهش پیدا کرده است.

● نگرش دیگر سیاست توانمندکننده (enabler) است که همگام با ادبیات روز شهرسازی دنیا و در راستای مشارکت مردم در همه زمینه‌ها، وارد فرهنگ شهرسازی کشور شد (World bank, 1993).

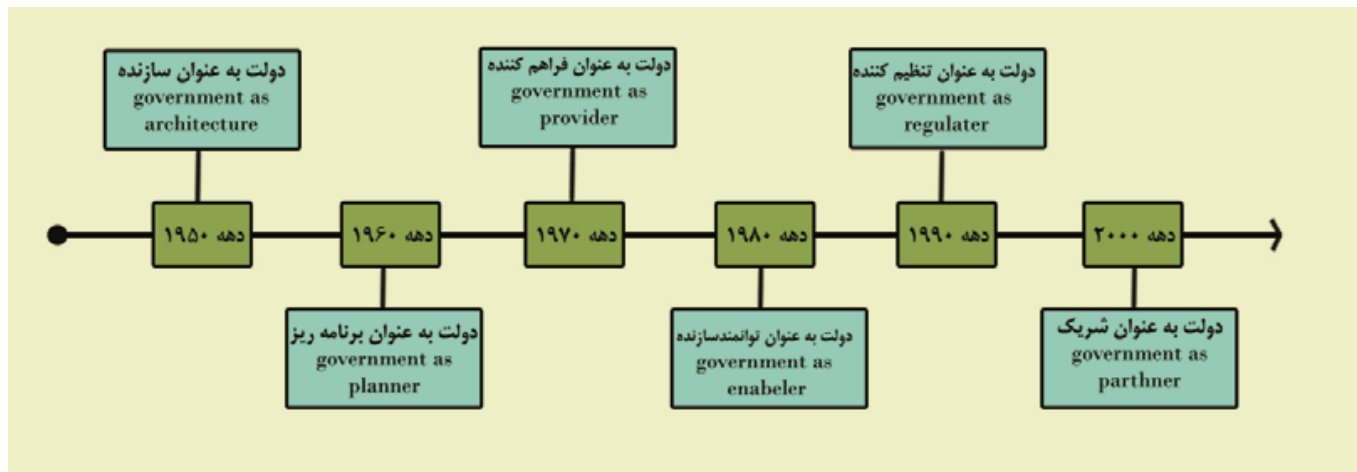
یکی از مفاهیم کلیدی در الگوی طرح‌های ساختاری- راهبردی، موضوع تحقق‌پذیری^۱ است؛ یعنی مطالعات و پیشنهادات طرح باید در چارچوب موضوعات و محورهایی صورت گیرد که در عمل بیشترین قابلیت و امکان را برای اجرا و تحقق داشته باشد.

از این نظر بخشی از مطالعات پایه در تهیه طرح‌های توسعه و عمران، به مطالعات امکان‌سنجی^۲ اختصاص می‌یابد. سنجش تحقق‌پذیری طرح‌های پیشنهادی بر اساس دو شاخص تأثیرگذاری^۳ و کفایت^۴ انجام می‌شود. «تأثیرگذاری» به معنای اقدام در جهت اهداف مورد نظر و «کفایت» حد لازم و کافی برای میزان تأثیرگذاری است. در زمینه تحقق‌پذیری و نقش مردم، در کشور ما همواره دولت از مردم بیشتر انتظار مشارکت اقتصادی دارد و از پتانسیل‌های موجود در مراحل تصمیم‌گیری، طراحی و اجرا کمترین بهره را می‌برد. بر این اساس می‌توان چهارگونه شهرسازی و برنامه‌ریزی را مطرح کرد (ادیب‌زاده؛ حسینی، ۱۳۸۸):

۱ برنامه‌ریزی برای ساختمان (planning for buildings) که هدف نهایی در آن، صرفاً ساختمان و زیباسازی آن است.

۲ شهرسازی و برنامه‌ریزی برای مردم (planning for people) که شهرسازان از جایگاهی بالاتر نسبت به مردم برای آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.

۳ برنامه‌ریزی شهرسازی به وسیله مردم (planning by people) که در این رویکرد با واگذاری اختیارات به مردم، مردم در نقش شهرساز قرار می‌گیرند.



شکل ۱: رویکردهای متداول نوسازی و بهسازی شهری در طرح‌های شهری و سیر تحول نقش دولت در نوسازی، مأخذ: www.urbantimeline.org

عنوان شاهبیت نوسازی بوده که مدیریت شهری نیز در اولویت است. در تئوری‌های جدید شهرسازی برای موضوعات مختلف امکان تدوین چارچوب‌های خاص فراهم شده است. در این راستا مهم‌ترین مؤلفه‌ها در نوسازی شهری با رویکرد اجتماعی عبارت است از:

● یافتن مصلحت عمومی (PUBLIC INTEREST) بر اساس گفتگو با گروه‌های اجتماعی.

● شناسایی ساختار و شبکه‌های اصلی اجتماعی-اقتصادی بافت‌های مذکور و ساختارمند کردن آن.

● تشخیص نیازها، ضرورت‌ها و تدوین استراتژی‌ها، سیاست‌ها و اهداف بر اساس گفتار و پویایی‌شناسی اجتماعی.

● ایجاد هسته‌های مدیریت محلی به منظور تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی، اجرا و عمل، نظارت و بهره‌برداری از طرح‌ها.

● برنامه‌ریزی نوسازی با مشورت ساکنان به جای القای شهرسازی جدید و فراهم ساختن شرایط تحمل دینامیک بافت متناسب با تحول اجتماعی، فرهنگی و معیشتی و القای زندگی نوین در کالبد بهسازی شده.

● حکمرانی خوب شهری با اقتدار بخشیدن به تصمیمات محلی، توجه به اولویت‌ها و نیازهای ساکنین و فراهم کردن امکان سازماندهی و حرکت سازنده از درون و از پایین به بالا.

● ایجاد شرایط فعال و پویا بین محلات و حذف انزوای محلات فرسوده، ایجاد وحدت و یکپارچگی در نگرش به مسایل شهروندان در برنامه‌ریزی‌های شهری و جلوگیری از تصمیمات هوادارانه از گروه‌های فقیر ساکن در این بافت‌ها که موجب انفعال آنها می‌شود.

● تلاش برای رفع تنگناهای این محلات در چارچوب مطالعه محلات فرودست با دیدگاه شهرنگر.

● توجه به فرم، فضا، فعالیت و محتوای اجتماعی محلات به جای توجه صرف به مسایل کالبدی.

● توجه به اصل "تقاضا-محوری" به جای "عرضه-محوری" در نوسازی.

● توجه به اصل "برنامه-محوری" و "فرایند-محوری" به جای نگاه "پروژه-محوری".

● بسترسازی لازم به منظور ایجاد فضای حمایتی و تقویت نهادهای غیردولتی در نوسازی و بهسازی.

● نگرش کل به جزء به سطوح برنامه‌ریزی، به گونه‌ای که برنامه‌ریزی ارتقاء یافته و نوسازی جایگاه خود را در سطوح سلسله‌مراتبی برنامه‌ریزی‌ها و در دورن آنها پیدا کند.

● ارزیابی و پایش تمام اثرات برنامه‌ها و اقدامات از جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی.

بدیهی است که باید مقدمات لازم برای جلب اعتماد مردم را فراهم نمود و از هر اقدامی که باعث بی‌اعتمادی می‌شود، پرهیز کرد. از این‌رو بهتر است

اقدامات قانونی که بستر مشارکت مردم را فراهم می‌آورد، در دستور کار قرار گیرد.

نوسازی و بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مسئله است که دیگر مهندسی ساختمان و صرف تزریق منابع مالی را راهگشا نمی‌داند؛ بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان موردنظر است (روستا و دیگران: ۱۳۸۸).

رویکرد اجتماعی و شاخص‌های آن

رویکرد اجتماعی یک نظام علمی بوده که به دلیل بهره‌گیری از مؤلفه‌های زیر، قابل تسری به بافت‌های دیگر است:

۱ مبنای تئوریک

۲ ساختار دینامیک و بازخوردی (رفت و برگشتی)

۳ شیوه‌های اجرایی

در این رویکرد، مهندسی اجتماعی در کنار مهندسی کالبدی و فنی، می‌تواند به سرعت اجرای کار، اطمینان از رضایت گروه‌های هدف، حذف گام‌های موزی و اضافی، اعتمادسازی، کاهش معارضین و ارتباط مستمر ساکنین و مدیریت شهری منجر شود.

مهندسی اجتماعی به مشارکت مردم از شروع مطالعات طرح ساماندهی تا اتمام آن تأکید دارد. مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی برای درگیر کردن ساکنین در فرایند نوسازی عبارت است از:

● **توزیع متناسب تراکم جمعیتی:** برای ایجاد محیط شهری مطلوب، توزیع عادلانه و متوازن کاربری‌ها، در کنار تراکم متناسب جمعیتی الزامی است. توزیع متناسب تراکم جمعیتی با شاخص‌های نظام مؤثر در طراحی سازمان فضایی، معیار خوبی برای ارزیابی گزینه است.

● **انسجام اجتماعی:** طرح‌های توسعه شهری در مقیاس کلان یا پاره شهر، باید به انسجام اجتماعی منجر شود. چگونگی چیدمان کاربری‌ها، ارتباطات بین آنها و فضاهای مسکونی و همچنین ارتباطات فرامحله‌ای با کاربری‌های هویت‌بخش، در انسجام اجتماعی محله تأثیر به‌سزایی دارد.

● **دسترسی همگانی به فضاهای عمومی:** در ساماندهی محلات شهری، اینکه ساکنین بتوانند به راحتی در قالب گروه‌های گوناگون سنی و جنسی، با یک مسیر کوتاه و سریع به فضاهای عمومی راه

یافته و نوسازی جایگاه خود را در سطوح سلسله‌مراتبی برنامه‌ریزی‌ها و در دورن آنها پیدا کند.

● ارزیابی و پایش تمام اثرات برنامه‌ها و اقدامات از جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی.

بدیهی است که باید مقدمات لازم برای جلب اعتماد مردم را فراهم نمود و از هر اقدامی که باعث بی‌اعتمادی می‌شود، پرهیز کرد. از این‌رو بهتر است





۲ و ۳: آموزش برای قشرهای مختلف محلی و همکاری آنها در مرحله مطالعات نوسازی، عکس: نگارنده.

۲- صداقت و شفافیت

هدف از انجام کار، روند کار و نقش هر کدام از مشارکت‌کنندگان باید به طور دقیق، روشن و شفاف باشد تا همه با احساس اطمینان و اعتماد در انجام آن فعالیت مشارکت کنند.

۳- ایجاد ظرفیت محلی

پایداری اجتماع به توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی وابسته است. لازم است تا از همه فرصت‌ها برای توسعه مهارت‌ها و ظرفیت‌های محلی استفاده کرده و مردم را در اجرای برنامه‌های محلی درگیر کرد.

۴- برقراری ارتباط با مردم

یکی از مهم‌ترین مراحل کار، ایجاد ارتباط با مردم و شناسایی کانال‌های ارتباطی با آنها است. در محلات فرسوده ایران، عمدتاً مراکزی چون مساجد، پایگاه‌های بسیج محلات، فرهنگسراها، انجمن‌ها و ... را می‌توان به عنوان اولین کانال‌های ارتباطی برای این کار در نظر گرفت که در ادامه با تشکیل کارگروه‌های مردمی، وظیفه ارتباط با مردم و اطلاع‌رسانی را بر عهده می‌گیرند.

۵- حرکت با سرعت واقعی

شتاب در کارهای اجتماعی و نهادسازی نه تنها درست نیست؛ بلکه به علت ناهماهنگی‌های طبیعی و ایجاد برخی مشکلات، ممکن است به سلب اعتماد محلی منجر شود. پس حوصله‌داشتن و پذیرفتن زمان‌بر بودن تشکیل نهاد محلی مؤثر، می‌تواند گامی در سازماندهی نهادهای محلی باشد.

۶- درگیری همه اقدار جامعه

آنچه اهمیت دارد تعداد افراد درگیر نیست؛ بلکه حضور طیف سنی، جنسی و قومی کاملی از مشارکت‌کنندگان است.

۷- برنامه‌ریزی برای شرایط محلی

خصوصیت‌ها و سنت‌های بومی باید مورد ارزیابی و استفاده قرار گیرد و از آنها در انتخاب روند برنامه‌ریزی و نحوه به کارگیری و انتخاب روش‌های جلب مشارکت استفاده شود (تصویر ۱).

۸- مداومت و پیگیری

مداومت در انجام فعالیت‌ها حتی با وجود مشکلات، جزء نکات کلیدی در پیشبرد اهداف نهادسازی و جلب مشارکت است. به طور طبیعی جلب همکاری ساکنین در مراحل اولیه، کار بسیار طاقت‌فرسایی است که در برخی مراحل حتی شائبه عدم موفقیت نیز وجود دارد؛ لیکن با مداومت و پیگیری مستمر، می‌توان ساکنین را با خود همراه کرد.

۹- آموزش و تربیت

آموزش در همه سطوح، بسیار با ارزش است. اصولاً یکی از عوامل عدم مشارکت در کشور ما، نوع نگاه و نگرش ساکنین به مسئله بافت‌های فرسوده است. با آموزش می‌توان هم قشرهای مختلف را درگیر مسئله محله خویش نمود و هم در سطحی بالاتر، نگرش ساکنین را نسبت به مقوله نوسازی تغییر داد (تصویر ۲ و ۳).

پیدا کنند، اهمیت دارد. بنابراین توجه به مکان‌های تجمع، هویت‌زا و ... مهم است.

● **هویت‌بخشی به کل محله:** یک ایده خوب برای طراحی ساختار فرهنگی- تاریخی- طبیعی گذشته و موجود، ساختاری در طراحی شهری بافت‌های فرسوده با ایجاد هویت یا تداوم آن در سطح محله است. هرچند نوسازی بافت‌های فرسوده در قالب طرح‌های موضوعی و موضعی انجام می‌گیرد؛ اما توجه به کلیت محله به عنوان یک سیستم انسانی- کالبدی ضرورت دارد.

● **انسجام آیینی:** محلات خودرو و ارگانیک علی‌رغم بی‌نظمی ظاهری، نظم اجتماعی در درون خود دارند که در ایام ویژه همچون مناسبات مذهبی و اعیاد به خوبی خود را نشان می‌دهد. در طراحی سازمان فضایی باید مراقب بود تا طراحی شبکه معابر اصلی و چیدمان کاربری‌ها، نه تنها انسجام آیینی گذشته را خدشه‌دار نسازد؛ بلکه در تداوم آن در آینده نیز موفق عمل کند. توجه به مسیرهای حرکت انسانی به ویژه در مناسبت‌ها از قبیل دسته‌های عزاداری، از عوامل اصلی ایجاد انسجام اجتماعی در نوسازی بافت‌ها است.

● **تقویت مناسبات اجتماعی:** چگونگی جانمایی و طراحی فضاهای عمومی، شیوه طراحی شبکه معابر، شکل طراحی شبکه معابر و ... در برنامه‌ریزی و طراحی می‌تواند موجب تضعیف یا تقویت مناسبات اجتماعی شود. شهر، مظهر و بستر گفتگو و رشد انسان‌ها است. لذا توجه به شاخص‌های فوق می‌تواند زمینه‌ساز حضور ساکنین در تهیه طرح‌ها و تحقق‌پذیری اهداف نوسازی باشد. بنابراین توجه به دربرگیرندگی (توجه به خواسته‌ها، تمایلات و اولویت‌های تمامی کنشگران و بهره‌برداران ذی‌ربط) زمینه نهادسازی محلی را فراهم خواهد کرد.

اصول و روش‌های نهادسازی در محلات بافت فرسوده با تکیه بر تجربیات میدانی

در اینجا سعی شده تا کلیدی‌ترین اصول ایجاد نهادهای محلی، به عنوان رکن اصلی رویکرد اجتماعی به اختصار ذکر شود. اگرچه این اصول در هر جامعه و محله‌ای می‌تواند تغییر کند؛ اما در اینجا عملی‌ترین اصول که مورد استفاده نگارنده در مواجهه اجتماعی با محلات بافت فرسوده بوده، به صورت موجز و کاربردی ذکر شده است. اصول و روش‌های اعتمادسازی به منظور سازماندهی نهادهای محلی عبارت است از (روستا و دیگران، ۱۳۸۸):

۱- اهمیت فرایند به اندازه محصول

در ایجاد نهادهای محلی برای مشارکت‌پذیری، فرایند انجام مراحل نوسازی بافت‌های فرسوده و مطالعات آن، به اندازه محصول نهایی اهمیت دارد. لذا روش برخورد با هر بافتی با توجه به خصوصیات فرهنگی اجتماعی آن بافت، صرف‌نظر از میزان زمان سپری شده مهم است.

۱۰- به کارگیری استعدادهای محلی

استفاده از نیروهای محلی، سهم عمده‌ای در ایجاد اعتماد، شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی در محله دارد. به کارگیری نیروهای متخصص محلی در اموری چون پرسشگری، فعالیت‌های حقوقی و نیز افراد مقبول میان ساکنین، به عنوان پل ارتباطی و تسهیل‌گر، می‌تواند به ایجاد موج مشارکت و افزایش تحقق‌پذیری کمک کند (تصویر ۴).

۱۱- تصویرسازی و نمایش دادن

استفاده از اطلاعات تصویری به جای کلامی، رغبت مردم برای مشارکت را افزایش می‌دهد. به همین دلیل انتقال اطلاعات به راه‌هایی چون انتشار خبرنامه‌ها، ساخت ماکت، ارائه سه‌بعدی و گرافیکی طرح‌ها، پخش فیلم‌های مرتبط با محله و پروژه و ... می‌تواند در جلب همکاری مؤثر باشد.

۱۲- کار در محل پروژه

یکی از مهم‌ترین اصول، ایجاد دفتر محلی و کار در محدوده مورد مطالعه است. با این اقدام، زمینه برای تحقق تمامی روش‌های مذکور مهیا می‌شود و از سویی دیگر حضور در بافت، نشانگر عزم تهیه‌کنندگان طرح به مردم خواهد بود.

۱۳- نهادسازی و تشکیل هسته‌های مدیریت محلی

شناسایی شبکه‌های اجتماعی به منظور ترسیم هرم قدرت اجتماعی محله، جهت سپردن بخشی از مدیریت نوسازی و بهسازی به ساکنین از مهم‌ترین نکات کلیدی نوسازی در رویکرد اجتماعی است.

۴: استفاده از نیروهای محلی، سهم عمده‌ای در ایجاد اعتماد، شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی در محله دارد،
مأخذ: www.persiangig.com

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های اجتماعی بافت‌های فرسوده، ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی در نوسازی و بهسازی آنها را دو چندان می‌کند. توجه صرف به ابعاد کالبدی، نگاه جامع و فراگیری به مقوله نوسازی و بهسازی این بافت‌ها نیست و پرداختن به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز ضرورت دارد. در رویکرد اجتماعی اصلی‌ترین راهبردها؛ توجه به ابعاد اجتماعی، نهادسازی، مشارکت شهروندان، حکمروایی خوب شهری در ارتقای شرایط زندگی و محیطی است. مهم‌ترین راه‌حل مشکلات کنونی این بافت‌ها، وجود پتانسیل‌های ارزشمند اقتصادی، اجتماعی و کالبدی آنها همراه با رویکردی درونی به همراه ابزارهای مدیریتی، به عنوان عوامل بیرونی و تغییر نگرش در مدیریت شهری و ساکنین است.

بی‌نوشت

- ۱ Feasibility
- ۲ Feasibility Studies
- ۳ Effectiveness
- ۴ Adequacy

منابع

- ادیب‌زاده، بهمن؛ حسینی، سیدابراهیم (۱۳۸۸) *مهندسی اجتماعی رویکرد نوین در تحقق‌پذیری حداکثری بافت‌های فرسوده شهری*، نمونه موردی: طرح منظر شهری نعمت‌آباد غربی- منطقه ۱۹- تهران.
- روستا، مجید؛ حسینی، سید ابراهیم؛ هدایت، هما (۱۳۸۸) *اعتمادسازی و سازماندهی نهادهای محلی زیربنای مشارکت‌پذیری حداکثری در بافت‌های فرسوده*، دومین همایش ملی نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، شیراز.
- عندلیب، علی‌رضا (۷-۱۳۸۶) *دفترهای نوسازی بافت‌های فرسوده*، سازمان نوسازی شهر تهران.
- کلهرنیا، بیژن (۱۳۸۶) *رویکرد ارتقای و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی*، فصلنامه شهرسازی و معماری هفت‌شهر، سال پنجم، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، تهران، در دست چاپ.
- مهندسین مشاور رازاندیشان عمران (۷-۱۳۸۶) *طرح منظر شهری نعمت‌آباد غربی*.

- keare, douglash and seott, parries (1982) *evaluation of shelter programs for the urban poor* Washington dc: the world bank.
- World bank (1993) *housing : enabling markets to work, a world bank policy paper with technical supplements*.

www.urbantimeline.org